



<https://mehrnews.com/xcxSX>

۳۰ تیر ۱۳۸۹، ۱۵:۵۰

کد خبر 1120970

دین و آیین / سایر



گزارش یک کتاب /

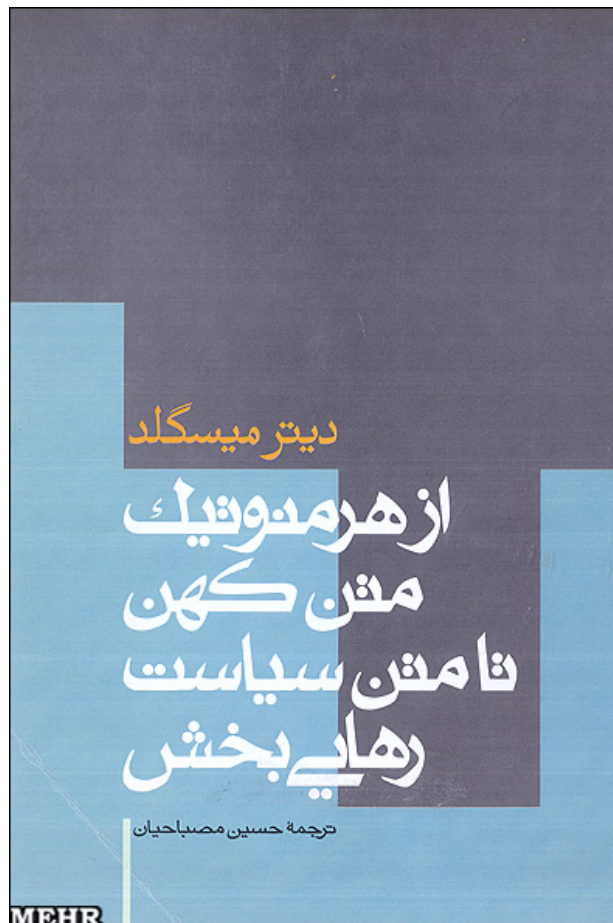
## دیتر میسگلد؛ از هرمنوتیک متن کهن تا متن سیاست رهایبخش

"از هرمنوتیک متن کهن تا متن سیاست رهایبخش" نوشته دیتر میسگلد و ترجمه حسین مصباحیان در شمارگان 1000 نسخه و قیمت 2200 تومان در 151 صفحه از سوی نشر کوچک منتشر شده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: کتاب "از هرمنوتیک متن کهن تا متن سیاست رهایبخش" شامل چهار مقاله و یک گزارش از سفری علمی به ایران است که توسط دیتر میسگلد، استاد بازنشسته فلسفه، علوم سیاسی و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تورنتو کانادا نوشته شده است.

علاقه پژوهشی میسگلد عبارتند از هرمنوتیک، تئوری انتقادی مکتب فرانکفورت، فلسفه و جامعه‌شناسی مدرن آلمان، تئوریهای مربوط به حقوق بشر، مدرنیته و پروژه سیاست رهایبخش، دموکراسی و هویت‌های پساملی.

وی که در هایدلبرگ شاگرد گادامر بوده است، رساله دکتری خود را در فلسفه و با راهنمایی این فیلسوف شهیر قرن بیستم درباره "مفاهیم گناه و خودآگاهی در هستی و زمان هایدگر" نوشته است و در تابستان سالهای آغازین تدریسش در کانادا سمینارهایی با هابرماس در فرانکفورت داشته است.



اولین بخش کتاب "از هرمنوتیک متن کهن تا متن سیاست رهایبخش" مقالهای است به نام "وجه تمایز اروپا، علوم انسانی و جامعه جهانی: تأملاتی در

برخی آثار اخیر هانس کئورک کادامر" که در آن وجه تمایز اروپا از منظر درونی و بیرونی مورد بحث قرار گرفته است.

میسگلد در این مقاله تلاش میکند که تردیدهایی را در مورد وجوه تمایز اروپا، آنگونه که گادامر مشاهده میکند، ایجاد کند و نتیجه بگیرد که اروپا محوری ظریف تفکر گادامر درباره اروپا، باید کنار گذاشته شود تا راهی برای پرسش از سنتهای اروپایی بر مبنای تجربیات ساخته شده در جهان سوم باز شود.

او تأکید میکند که تاریخ ظهور تمدن اروپایی و ظهور علوم انسانی آن باید در متن تاریخ نژادکشی، انقیاد و بردهسازی آن مورد بررسی قرار گیرد و در بخش مرکزی تفکر خودسنج پاناروپایی قرار گیرد.

از نظر میسگلد، فقط فیلسوفی که تاریخش را به این شیوه استخدام کند، میتواند اثرات غرور فرهنگی و افتخار به فرهنگ را، که هنوز در ناخودآگاه پاناروپایی آشکارا خانه دارد، برطرف سازد و با فرهنگ و ادعاهای آن، با اصراری رها از شیفتگی رویارو شود.

میسگلد در مقاله دوم، با عنوان "مدرنیته، دموکراسی و مهندسی اجتماعی" به جدال قدیمی هابرماس و گادامر پیرامون هرمنوتیک و تئوری انتقادی اجتماعی در پرتو مشارکت جدید پراگماتیستهای آمریکایی مانند ریچارد برنشتاین و ریچارد رورتی پرداخته است.

وی در این مقاله تلاش میکند تا نشان دهد که گادامر و هابرماس، نقد مدرنیته را به ترتیب تحت تأثیر هایدگر و آدورنو پیش بردهند و طرح همین نقدها سبب شدهاند که ما به عدم قطعیتها در مورد آینده جوامع مدرن توجه کنیم.

در حالی که نوپراگماتیستها به دموکراسی لیبرال تکیه میکنند و بینش آنها در مورد آینده مدرنیته نیز به آن متکی است، نظریه‌های فراگیر مدرنیته که نظریه‌پردازان انتقادی از آن حمایت میکنند، این مزیت را دارند که ما را وادار میکنند تا به فراسوی وضعیت موجود دموکراسی‌های لیبرال چشم بدوزیم؛ یعنی گامی که نه رورتی و نه گادامر آن را بر نداشته‌اند.

میسگلد نتیجه میگیرد که بر خلاف هرمنوتیک و تئوری انتقادی که نقد عقل ابزاری را در مرکز دغدغههای خود قرار داده‌اند، نوپراگماتیستها تاکنون قادر نبوده‌اند که به طور کامل در چنین پروژه نقادانه‌ای مشارکت داشته باشند.

مقاله "حقوق بشر، گذشته و آینده: در ضرورت گشایش افقی واقعی برای عدالت جهانی"، بخش بعدی این کتاب است که به دو بحث به هم پیوسته به طور همزمان میپردازد: نخست نقد تاریخی و فلسفی اعلامیه حقوق بشر و دوم فراهم آوردن پیشنهاداتی برای تعمیق این حقوق در فراسوی اعلامیه موجود.

میسگلد در این مقاله به تاریخ شکلگیری حقوق بشر میپردازد و به نقش قاطع فاجعه کشتار نازی در برانگیختن "وجدان بشریت" برای تنظیم پیشنهادی این سند و سایر توافقیهای بینالمللی اشاره میکند. به زعم او این اعلامیه اصولاً از آن جهت شکل گرفته است که دیگر چنین حادثه وحشتناکی تکرار نشود هر چند از حوادث فاجعه‌انگیز دیگری که در همان زمان یا پس از آن اتفاق افتاد، نظیر بمباران وحشتناک هسته‌ای در هیروشیما و ناکازاکی، بیرحمیهای فرانسه در ویتنام و الجزایر و روند اخراج فلسطینیها از ناحیه‌ای که مورد ادعای دولت اسرائیل بود، بحث زیادی نمیشود.

میسگلد بر این باور است که آنچه اهمیت دارد نزدیک شدن حقوق بشر به سمت مفهومی از زندگی است که متضمن سعادت بشر و عدالت اجتماعی جهانی باشد. وی در راستای ارائه پیشنهاداتی در این جهت، در قسمت دوم مقالهاش سراغ "فلاسفه و تحلیلگران برجسته"ای نظیر هابرماس یا حتی نهضتهای رادیکال و سوسیالیستی میرود که به تعبیر او علاقه‌ای به توجیه یکجا و یکجانبه اعلامیه جهانی حقوق بشر ندارند و با آن عمیقاً به صورت انتقادی مواجه میشوند.

"گفتگو؟ کدام گفتگوی تمدنها؟ درسهایی از وضعیت آمریکاها، شمالی و جنوبی"، مقاله چهارم میسگلد در این کتاب است که وی در کنفرانسی با عنوان "مرکز و پیرامون" در بهار 1381 در اصفهان ارائه کرده است. او در این مقاله از موانعی که گفتگوی بین فرهنگها با آن مواجه است سخن میگوید و تأکید میکند که برابری شرط اساسی چنین گفتگویی است.

اعتراف کشورهای آتلانتیک شمالی به ستمی که روا داشته‌اند و شرارتی به نام بردگی و استعمار در تاریخ آنها، و نیز مسئول و حساس بودن به رنج و احساس ناامنی که وجودهای بشری در همه جا تجربه میکنند از دیگر موضوعاتی است که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

آخرین قسمت این کتاب، ترجمه گزارش کوتاهی است که میسگلد به درخواست همکاران و دوستانش، پس از سفر به ایران نوشته است.

مترجم اما در پایان مقدمه‌اش بر کتاب "از هرمنوتیک متن کهن تا متن سیاست رهاییبخش" هدف خود را از انتخاب این عنوان چنین بیان میکند: پیگیری نحوه تحول فکری یک متفکر از هرمنوتیک تا سیاست رهاییبخش از طریق برخی از مقالات وی تا شاید پیگیری آنها پاسخی برای این سؤالات داشته باشد که چرا و چگونه این متفکر از هرمنوتیک متن کهن به متن سیاست رهاییبخش کوچ کرد و هویت فکری - فلسفی دوران میانسالی او تا چه حد در فکر امروز او منعکس است.